

The Rights of Third Parties in Light of Principles and Rules Governing Decision-Making Processes in Joint-Stock Companies under Iranian and English Law

1. Somayeh Rahmani: PhD Student, Department of Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Mohammad Issaei Tafreshi*: Professor, Department of Private Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: tafreshi27@gmail.com (Corresponding Author)
3. Habib Ramezani Akerdi: Assistant Professor, Department of Law, Imam Khomeini International University, Tehran, Iran
4. Esmail Abbasi: Assistant Professor, Department of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

ABSTRACT

One of the key players in the economic sphere in both Iran and England is joint-stock companies. Upon their establishment, these companies acquire independent legal personality, and decisions made by their general assemblies and boards of directors affect the rights of third parties. In Iranian and English law, identifiable principles and rules govern the relationships between participants in the commercial legal framework and, more specifically, the regulation of relations between joint-stock companies and third parties. A portion of these principles and rules pertains to the decision-making processes carried out within joint-stock companies. In Iranian law, the decision-making processes in joint-stock companies are addressed by relying on codified principles outlined by the legislator in the amended sections of the Commercial Code and other related laws. These laws consider the rights of third parties affected by the decision-making processes of joint-stock companies. However, due to the antiquity of the amended Commercial Code, which serves as the foundational and primary source of regulation, and the scattered nature of other relevant requirements across various laws, third parties encounter significant challenges in practice. Conversely, in England, the principles and rules governing joint-stock companies, particularly decision-making processes, are more responsive to contemporary needs. Influenced by the judiciary's role as a primary source of law, these principles and rules provide more effective solutions for regulating the relationships between third parties and joint-stock companies and addressing the rights of such parties. Specifically, identifying these principles and rules offers third parties practical remedies in disputes arising from infringements of their rights due to the decisions made by joint-stock companies.

Keywords: *Joint-stock companies, third parties, principles, decision-making, Iranian law, English law.*

How to cite: Rahmani, S., Issaei Tafreshi, M., Ramezani Akerdi, H., & Abbasi, E. (2024). The Rights of Third Parties in Light of Principles and Rules Governing Decision-Making Processes in Joint-Stock Companies under Iranian and English Law. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 6(5), 88-105.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 23 November 2024
Revise Date: 02 December 2024
Accept Date: 21 December 2024
Publish Date: 31 December 2024



پژوهش‌های تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

حقوق اشخاص ثالث در پرتو اصول و قواعد حاکم بر فرایند تصمیم‌گیری در شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و انگلیس

۱. سمیه رحمانی: دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. محمد عیسائی تفرشی*: استاد، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. پست الکترونیک: tafreshi27@gmail.com (نویسنده مسئول)

۳. حبیب رمضانی آکردی: استادیار، گروه حقوق، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، تهران، ایران
۴. اسماعیل عباسی: استادیار، گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

یکی از بازیگران مهم فضای اقتصاد در ایران و انگلیس، شرکت‌های سهامی هستند. این شرکت‌ها پس از تشکیل دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و تصمیماتی که توسط مجامع عمومی و هیأت مدیره این شرکت‌ها گرفته می‌شود بر حقوق اشخاص ثالث اثرگذار است. در حقوق ایران و انگلستان، اصول و قواعدی قابل شناسایی است که در روابط میان تابعان فضای حقوق تجارت و به طور اختصاصی در تنظیم ارتباط میان شرکت‌های سهامی و اشخاص ثالث مؤثر هستند. بخشی از این اصول و قواعد، حاکم بر فرایند تصمیم‌گیری است که در شرکت‌های سهامی انجام می‌شود. حقوق ایران در خصوص فرایند تصمیم‌گیری در شرکت‌های سهامی، با تکیه بر اصول مدونی که قانون‌گذار در لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت و سایر قوانین بدانها اشاره نموده، به حقوق اشخاص ثالث تحت تأثیر فرایند تصمیم‌گیری شرکت سهامی پرداخته است که در فضای عمل، با توجه به قدیمی بودن لایحه مذکور به عنوان قانون مادر و منبع اصلی و پراکندگی سایر الزامات این فضا در قوانین متعدد دیگر، اشخاص ثالث را با چالش مواجه می‌کند. این در حالی است که در انگلیس، اصول و قواعد حاکم بر شرکت‌های سهامی و به طور خاص فرایند تصمیم‌گیری در این شرکت‌ها، بر اساس نیاز روز و تحت تأثیر رویه قضایی این کشور به عنوان یکی از منابع اصلی حقوق آن، راهکارهای مؤثرتری را برای تنظیم روابط میان اشخاص ثالث با شرکت‌های سهامی و حقوق آن ایجاد می‌نماید. به طور خاص، نتیجه اصلی شناسایی این اصول و قواعد، راهگشای اشخاص ثالث در دعاوی نسبت به حقوق مورد تضییع ایشان در اثر تصمیمات شرکت سهامی است.

واژگان کلیدی: شرکت سهامی، اشخاص ثالث، اصول، تصمیم‌گیری، حقوق ایران، حقوق انگلیس.

نحوه استناددهی: رحمانی، سمیه، عیسائی تفرشی، محمد، رمضانی آکردی، حبیب، عباسی، اسماعیل. (۱۴۰۳). حقوق اشخاص ثالث در پرتو اصول و قواعد حاکم بر فرایند تصمیم‌گیری در شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و انگلیس. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۶(۵)، ۸۸-۱۰۵.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۳ آذر ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۲ آذر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۳۰ آذر ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۰ دی ۱۴۰۳



برای شناخت حقوق اشخاص ثالث در پرتو اصول و قواعد حاکم بر فرایند تصمیم‌گیری در شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و انگلیس، ابتدا به ساکن، تفاوت نگاه قانون‌گذار و حقوقدانان این کشورها نسبت به شرکت سهامی، اشخاص ثالث و الزاماتی که روابط میان این دو مفهوم را تنظیم می‌کند، به چشم می‌آید.

قانون‌گذار ایرانی در لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت در سال ۱۳۴۷ با تبیین دو مشخصه اصلی برای شرکت‌های سهامی یعنی نحوه جمع آمدن سرمایه و نوع و میزان مسئولیت صاحبان سهام شرکت، شرکت سهامی را به صورت کلی معرفی نموده و در ماده ۴ از این لایحه تعیین نوع شرکت سهامی به شرکت‌های سهامی عام یا خاص را منوط به نحوه گرد آمدن سرمایه موقع تأسیس شرکت می‌نماید. در سال ۱۳۸۷ نیز با تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، تعریفی از شرکت در بند ۵ ماده ۱ قانون مذکور ارائه شد که این تعریف به نظر دکتر عبسائی تفرشی تعریف ناقصی بود. به موجب این بند «شرکت: شخص حقوقی که با رعایت قانون تجارت یا قانون خاص حسب مورد تشکیل شده باشد»، تعریف شد. لکن با استفاده مطلق از واژه شرکت می‌توان منظور ماده را به شرکت‌های مدنی نیز تعبیر شود (Issaei Tafreshi, 2021).

به نظر می‌رسد که قانون‌گذار ایرانی در متون قانونی نتوانسته تبیین دقیق از مفهوم شرکت‌های سهامی ارائه نماید. لکن ویژگی‌هایی برای شناخت مفهوم شرکت‌های سهامی را می‌توان از این احکام قانونی برداشت نمود. حقوقدانان ایرانی نیز با استدلال‌های مختلفی به تبیین مفهوم و ماهیت شرکت‌های سهامی پرداخته‌اند.

این در حالی است که در حقوق انگلستان، با توجه به نیاز این کشور به سرعت هرچه بیشتر برای خروج از بحران اقتصادی که در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی بالا گرفته بود، یک سلسله اصلاحات در قوانین مربوط به بخش‌های مختلف اقتصادی صورت پذیرفت که از این میان توجه به موضوع شرکت‌ها به عنوان عنصر تاریخی و اصلی توسعه اقتصادی انگلستان به شکلی خاص صورت گرفت. تصویب دو قانون شرکت‌ها در سال ۱۹۸۰ و سپس ۱۹۸۵، همچنین قانون توقف و ورشکستگی شرکت‌ها در سال ۱۹۸۶، انتشار گزارش‌های متعدد از سوی مراجع بازنگری در قانون در مقالاتی تحت عنوان «برگ سفید^۱» و «برگ سبز^۲» از سوی پارلمان این کشور، همگی نشان‌دهنده اهمیت بسیاری است که به موضوع تجمیع سرمایه‌ها و مشارکت در رشد و پیشرفت اقتصادی در این کشور داده می‌شود (Griffin, 2006).

در انگلستان، قانون شرکت‌ها از منابع اصلی در حقوق شرکت‌های تجاری محسوب می‌شود که بسیاری از اصولی که در این قانون مورد بیان قانون‌گذار قرار گرفته است، ابتدائاً در رویه قضایی این کشور توسط دادگاه‌ها به شکل یک اصل مورد شناسایی قرار گرفته است. به نحوی که حقوقدانان این کشور معتقدند برای درک صحیح از قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ این کشور، مراجعه به رویه قضایی از ملزومات است (McLaughlin, 2013).

پس از اینکه شرکت سهامی تشکیل شد، شخصیت حقوقی مستقل برای آن شناسایی می‌شود. در ادامه حیات شرکت سهامی در ایران و انگلیس، یکی از اقدامات مهم، تصمیماتی است که از سوی ارکان شرکت برای اداره آن گرفته می‌شود. از جمله این تصمیمات تغییر در سرمایه شرکت، انتخاب مدیران و بازرسان، تغییرات اساسنامه، نظارت بر عملکرد و سود و زیان شرکت و حتی تبدیل شرکت است که حسب مورد در حقوق ایران و انگلستان در صلاحیت مجامع عمومی یا هیأت مدیره شرکت است. این تصمیمات می‌توانند بر حقوق اشخاص ثالث به طور مستقیم

¹ White Paper

² Green Paper

یا غیرمستقیم اثرگذار باشند. بر همین اساس نیز پاسخ به این سوال که چه اصول و قواعدی در فرآیند تصمیم‌گیری در شرکت‌های سهامی حاکم بوده و این اصول و قواعد چه تأثیری می‌تواند بر حقوق اشخاص ثالث بگذارد، هدف مهم پژوهش حاضر است.

مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

لزوم بازنگری در قوانین و الزامات حاکم بر فرآیند تصمیم‌گیری در شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و توجه بیشتر به نقش رویه قضایی در بحث نیازسنجی و امکان‌سنجی کارکرد این قوانین در تطبیق با اصلاحات و تغییراتی که قانون‌گذار انگلیسی در خصوص الزامات ناشی از اصول و قواعد حاکم بر فرآیند تصمیم‌گیری در شرکت‌های سهامی اعمال نموده، احساس می‌شود.

بحث

سهام و تشکیل سرمایه شرکت از جمع‌آوری سهام شرکاء و محدود بودن مسئولیت سهامداران به میزان سهام مورد تملک ایشان نسبت به شرکت، ویژگی اصلی است که شرکت‌های سهامی را در ایران و انگلستان نسبت به سایر شرکت‌های تجاری متمایز می‌نماید.

هر چه تعداد شرکای یک شرکت بیشتر باشد، تضارب آراء بیشتر خواهد بود و چنانچه شرکت راهی کاملاً جدا و متفاوت با خواست شرکای خود در پیش بگیرد، ممکن است با خروج سرمایه، ورشکستگی یا انحلال مواجه شود. به خصوص در مورد شرکت‌های سهامی که اساساً با دیدگاه سهولت نقل و انتقال سهام و ورود و خروج آسان‌تر اعضا به جمع شرکت تشکیل می‌شوند، این موضوع محتمل‌تر از سایر انواع شرکت‌های تجاری خواهد بود. شاهد مثال این صحبت را می‌توان در تابلوهای خرید و فروش سهام در بازارهای مالی بین‌المللی بزرگی چون لندن و نیویورک و حتی بورس تهران به راحتی مشاهده نمود. بر همین اساس است که شرکت‌های سهامی نقش خاصی را در اقتصاد کشورها و بعضاً تجارت و روابط بین‌الملل بر جای می‌گذارند. به علاوه با افزایش سرمایه شرکت و گسترده‌تر شدن فعالیت اقتصادی شرکت سهامی، منطقاً اشخاص بیشتری به جمع طلبکاران و کارکنان شرکت افزوده می‌شوند. این موضوع نشان‌دهنده آن است که تصمیماتی که در شرکت‌های سهامی گرفته می‌شود بر حقوق اشخاص ثالث به شکل ویژه‌ای اثرگذار خواهد بود.

در حقوق ایران و در حقوق انگلستان بعضی اصول و قواعد بر فرآیند تصمیم‌گیری شرکت‌های سهامی حاکم است که بعضی از این اصول مشابه یکدیگر بوده و بعضی دیگر از این اصول و قواعد، با توجه به تفاوت نوع نظام حقوقی و همچنین تفاوت سیاست‌های حاکم بر اقتصاد و رهبری این کشورها، متفاوت بوده و بر همین اساس نیز انتظار می‌رود در فرآیند تصمیم‌گیری در شرکت‌های سهامی، تفاوت‌هایی بر حقوق اشخاص ثالث از این امر مشاهده شود. بدین معنی که قانون‌گذار با توجه به دو شیوه نسبتاً متفاوت الزامات این کشورها-به خصوص پس از تصویب قانون سال ۲۰۰۶ شرکت‌ها در انگلستان که با تغییرات ویژه‌ای همراه بوده-سعی بر حمایت از حقوق اشخاص ثالث نموده است.

۱. جایگاه حمایت از حقوق اشخاص ثالث در اصول و قواعد حاکم بر فرآیند تصمیم‌گیری در شرکت‌های سهامی در حقوق ایران

بر اساس ماده ۵۸۳ از قانون تجارت ایران، اصل بر استقلال شخصیت حقوقی شرکت تجاری از شرکای آن است. با توجه به آن که شرکت‌های سهامی در ماده ۲۰ از همین قانون به عنوان یکی از اقسام شرکت تجاری شماره شده‌اند و با استناد به ماده ۱۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، شرکت‌های سهامی پس از تشکیل، از شخصیت حقوقی مستقل برخوردارند، این موضوع در عمل می‌تواند چالش‌هایی را در مورد حقوق اشخاص ثالث ایجاد کند. برخی از این چالش‌ها به تصمیماتی که در شرکت گرفته می‌شود باز می‌گردد.

از طرفی به موجب ماده ۲۷۰ لایحه قانونی مذکور، تمام اقداماتی که در شرکت‌های سهامی ایرانی انجام می‌شوند، فرآیند محور بوده و ضمانت اجرای سنگینی چون بطلان را به همراه خواهد داشت. شناسایی اصول حاکم بر فرآیند تصمیم‌گیری در شرکت‌های سهامی ایرانی در فضای آیین دادرسی و رسیدگی به دعاوی بطلان تصمیمات شرکت و جبران خسارات ناشی از آن، برای اشخاص ثالثی که شرکت یا ناقضین الزامات حاکم بر فرآیند شرکت را طرف دعوا قرار می‌دهند، از اهمیت به سزایی برخوردار است. این موضوع جدای از آن است که تمام این اصول در پیشگیری از تضییع حقوق اشخاص ثالث مؤثرند.

۱-۱. اصل مشارکت

اولین اصلی که پس از اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت بر فرآیند تصمیم‌گیری در شرکت‌های سهامی حکومت می‌کند، اصل مشارکت است. شرکت برای مشارکت افراد به وجود آمده است. بنابراین برای اینکه عملکرد شرکت از اعتبار برخوردار باشد، تصمیمات متخذه در شرکت، مسلماً و ابتدائاً باید از حمایت اعضای خود یا حداقل اکثریت اشخاصی که برای مشارکت در شرکت گرد هم آمده‌اند حاصل شده باشد. برای رسیدن به یک نتیجه نهایی، باید در شرکت یک سازماندهی بر فرآیند مشارکت حاکم بوده که در این سازماندهی برای هر رکن حدود صلاحیت‌هایی تعریف شده و در این حدود صلاحیت، اشخاصی که منتخب سهامداران و شرکا بوده‌اند با مشارکت یکدیگر و به شکل جمعی به تصمیم‌گیری بپردازند.

حمایت از حقوق اشخاص ثالث در پرتوی اصل مشارکت در شرکت‌های سهامی عام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. الزام به تشکیل مجمع عمومی سالیانه و لزوم کسب آرای اکثریت مطلق حاضرین در جلسه - به جز موضوع انتخاب مدیران و انتخاب رئیس هیأت مدیره به عنوان مدیر عامل - که به جلسه مجمع رسمیت بخشد، نشان‌دهنده اهمیت اصل مشارکت در جهت حفظ منافع و حقوق سهامداران است به نحوی که بعضی از حقوقدانان، مجامع عمومی شرکت‌ها را رکن تشکیل دهنده شرکت برمی‌شمارند نه رکن اداره کننده. به تعبیری این حقوقدانان معتقدند چنانچه مجامع شرکت‌های سهامی تشکیل نشوند، اساساً یکی از ارکان تشکیل دهنده شرکت وجود ندارد (Issaei Tafreshi, 2021).

در همین راستا باید تشکیل مجامع عمومی شرکت‌های سهامی در حقوق ایران که به موجب ماده ۷۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت اثر اصلی اصل مشارکت در فرآیند تصمیم‌گیری در شرکت‌های سهامی در حقوق ایران شماره شده. همچنین یکی از آثاری که از مشارکت سهامداران در تشکیل مجمع عمومی سالیانه شرکت در این لایحه قانونی پیش‌بینی شده، تصمیم‌گیری راجع به حساب‌های سالیانه شرکت در ماده ۲۵۴، تصمیمات مربوط به تغییرات اساسنامه و سرمایه شرکت موضوع به صراحت در ماده ۸۳، مورد تبیین قانون‌گذار قرار گرفته است (Saghri, 2022).

همچنین اشخاص ثالث دیگر همچون طلبکاران و کارکنان شرکت نیز در پرتوی حاکمیت اصل مشارکت ممکن است متضرر شوند. مانند آنکه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت به ایجاد تغییراتی در اساسنامه شرکت یا نسبت به کاهش سرمایه شرکت، تصمیمی اتخاذ نماید، که در مواردی این تصمیم می‌تواند ریسک تضییع حقوق این دسته از اشخاص ثالث را افزایش دهد. بنابراین نقش مجامع عمومی شرکت‌های سهامی در پرتوی اصل مشارکت تأثیر به سزایی در حقوق اشخاص ثالث دارد.

۱-۲. اصل تشریفاتی بودن

بیشتر اصولی که در حقوق شرکت‌های سهامی ایران و بر فرآیند تصمیم‌گیری در این شرکت‌ها سایه می‌افکند، ناظر بر تشریفات در این شرکت‌ها می‌باشد. یکی از الفاظی که صراحتاً در ماده ۲۷۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت به کار رفته است، لفظ «تصمیمات» می‌باشد. همچنین ترکیب «هر یک از ارکان شرکت» نیز در این ماده به خوبی نمایانگر این مسئله است که چنانچه هر کدام از ارکان شرکت اقدام اتخاذ تصمیم بدون رعایت تشریفات این قانون نمایند، ضمانت اجرای مصرح در این ماده نسبت به این عمل آنان قابل بار است. تشریفاتی که در مورد انتشار آگهی تشکیل جلسه، مفاد این آگهی، رعایت نصاب رسمیت و اتخاذ تصمیم در مواد مختلف لایحه قانونی بیان شده، نمایانگر این اصل بر فرآیند تصمیم‌گیری در شرکت‌های سهامی است.

با استقلال شخصیت حقوقی شرکت سهامی از سهامداران و به طریق اولی از اشخاص حقیقی فعال در اداره این گونه شرکت‌ها، مسئله مسئولیت محدود شرکت در مقابل اشخاص ثالث یک مسئله چالش آفرین خواهد بود. قانون‌گذار با پیش‌بینی الزامات ناشی از تشریفات در فرآیند تصمیم‌گیری در شرکت‌های سهامی من جمله در موضوعاتی نظیر تشریفات دعوت از مجامع، تعیین حداقل نصاب لازم سهامداران برای رسمیت بخشیدن، تشریفات تشکیل جلسه و اداره آن، تعیین حداقل نصاب لازم آراء برای تصویب امر موضوع جلسه مجمع، ثبت تصمیمات مجمع در اداره ثبت شرکت‌ها و سایر مواردی که در این خصوص پیش‌بینی شده، به دنبال تضمین شفافیت عمل تصمیم‌گیری در شرکت‌های سهامی است. چرا که در اصل، شفافیت، ابزار لازم برای پیگیری‌های حقوقی را در اختیار تابعان حقوق گذاشته که در پرتوی آن حفظ و حمایت از حقوق اشخاص ثالث نیز ممکن می‌گردد.

در خصوص مقررات حاکم بر تشریفات دعوت از مجامع، قانون‌گذار به دنبال این بوده است که بتواند از حقوق سهامداران با در نظر گرفتن ضرورت‌هایی حمایت کند. از جمله این ضرورت‌ها، ذکر موضوع جلسه مجمع در آگهی دعوت از سهامداران است. به نحوی که به نظر برخی از اساتید حقوق شرکت‌های سهامی در ایران، چنانچه این موضوع به نحوی مجمل مانند آنکه در آگهی برخی موضوعات جلسه به همراه عبارت «و غیره» آمده باشد و سهامدارانی که در جلسه حضور پیدا نکرده‌اند نیز با امر پیش‌بینی نشده‌ای روبرو نشوند، چنانچه تصمیمات اتخاذ شد در جلسه نتیجه مستقیم موضوعات ذکر شده در آگهی نباشد، از نظر ایشان قابلیت ابطال را خواهد داشت (Pasban, 2021).

همچنین یکی از مواردی که قانون تجارت به نحو آمره به بیان قاعده‌ای غیرقابل تخطی در پرتوی اصل تشریفاتی بودن بدان پرداخته، که اساسنامه شرکت نیز نمی‌تواند استثنایی بر آن باشد، در مورد تشریفات انتخاب هیأت رئیسه مجمع در اتخاذ تصمیم راجع به انتخاب اعضای هیأت مدیره است. به موجب ماده ۱۰۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، «... در مواقعی که انتخاب یا عزل بعضی از مدیران یا کلیه آن‌ها جزء دستور جلسه مجمع باشد... در این صورت رئیس مجمع از بین سهامداران حاضر در جلسه به اکثریت نسبی انتخاب خواهد شد» (Eskini, 2019).

۵-۱-۳. اصل سازمان یافته بودن

در حقوق حاکم بر شرکت‌های سهامی ایرانی، اصل سازمان یافته بودن بر فرآیند تصمیم‌گیری در این شرکت‌ها با حدود اختیارات و صلاحیت‌هایی که در اتخاذ تصمیمات برای هر رکن در لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت توسط قانون‌گذار پیش‌بینی شده است، علی‌الخصوص در مورد موضوع صلاحیت هر یک از مجامع و اختصاص مجمع عمومی فوق العاده برای اتخاذ تصمیم در مورد موضوعاتی که به موجودیت شرکت و اساسنامه و حقوق اساسی سهامداران می‌پردازد، قابل مشاهده است. همچنین در ماده ۸۶ از لایحه قانونی اصلاح قسمتی

از قانون تجارت، یکی از رخ‌های اصل سازمان یافته بودن را می‌توان در اعطای صلاحیت عام به مجمع عمومی برای اتخاذ تصمیم مشاهده نمود.

۴-۱. اصل نظارت پذیری مدیران شرکت در اداره شرکت

اعمال مدیران شرکت‌های سهامی در الزامات مختلفی که در فضای حقوق شرکت‌های سهامی مقرر شده، به عنوان یک اصل مشاهده می‌شود. چرا که با پیش‌بینی رکن نظارت در شرکت‌های سهامی و عمل بازرسی شرکت‌های سهامی که ناشی از جمع دو اصل سازمان یافته بودن شرکت‌های سهامی و اصل نظارت‌پذیری مدیران شرکت باید دانسته شود، نشانه بارز این اصل در فضای تصمیم‌گیری و اداره شرکت‌های سهامی در حقوق ایران است. اینکه سهامداران شرکت‌های سهامی باید به گزارش بازرسی قبل از تشکیل مجمع عمومی سالیانه شرکت دسترسی داشته باشند و همچنین در مورد موضوعاتی نظیر تصویب ترازنامه شرکت و بررسی عملکرد مدیران در پایان سال مالی توسط مجمع که جز با عملکرد صحیح و دقیق بازرسی شرکت ممکن نمی‌گردد، جایگاه اصل نظارت‌پذیری مدیران شرکت‌های سهامی بر فرآیند تصمیم‌گیری در این شرکت‌ها و حمایت از حقوق اشخاص ثالث را در حقوق شرکت‌های سهامی ایرانی را نشان می‌دهد (Issaei Tafreshi, 2021).

همچنین در پرتوی این اصل، یکی از مواردی که قانون‌گذار در جهت حمایت از اشخاص ثالث الزامی نموده، به ثبت رساندن مصوبات مجمع است. در این میان ثبت تصمیم مجمع عمومی نسبت به تغییر در اعضای هیأت مدیره و به طور کلی مدیران شرکت نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این موضوع در مواد چندی از قوانین مختلف بیان شده است. در ماده ۷ از قانون ثبت شرکت‌ها این چنین این الزام را بیان شده است: «تغییرات راجع به نمایندگان شرکت و یا مدیران شعب آن باید به اداره ثبت اسناد کتباً اطلاع داده شود تا وقتی که این اطلاع داده نشده عملیاتی که نماینده یا مدیر سابق به نام شرکت انجام داده عملیات شرکت محسوب است مگر این که شرکت اطلاع اشخاصی را که به استناد این ماده ادعای حقی می‌کنند از تغییر نماینده یا مدیر خود به ثبوت رسانند».

۵-۱. اصل عام بودن اختیارات مدیران

هیأت مدیره شرکت نیز رکن دیگری است که در اداره شرکت باید به اتخاذ تصمیم بپردازد. بر همین اساس و در عملکرد این رکن نیز بر فرآیند تصمیم‌گیری در شرکت‌های سهامی اصولی حاکم است. از جمله این اصول، اصل عام بودن اختیارات هیأت مدیره شرکت در اداره آن است که در ماده ۱۱۸ از لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت توسط قانون‌گذار تبیین شده است. مسلماً اداره و اجرای اعمال شرکت بدون اتخاذ تصمیم این رکن ممکن نخواهد بود (Eskini, 2019).

اصل عام بودن اختیارات مدیران شرکت در پرتوی نظریه رکنیت مدیران موجب می‌شود که اشخاص ثالث در قبال خساراتی که از تصمیمات و عملکرد مدیران شرکت بدانها وارد می‌شود، بتوانند شرکت را نیز در دعوی جبران خسارت خوانده قرار دهند. چرا که «سازمان مدیریت شرکت سهامی، رکن آن است و اراده و تصمیم این سازمان که به نام، به حساب و به جای شرکت سهامی اتخاذ می‌شود، تظاهر اراده و تصمیم شرکت سهامی است» (Issaei Tafreshi, 2021).

۶-۱. اصل استقلال بازرسی

با توجه به نقش حساس بازرسی در فرآیند تصمیم‌گیری در شرکت‌های سهامی و اصل استقلال عمل ایشان در شرکت، اگرچه بازرسی شرکت توسط مجمع عمومی انتخاب می‌گردند، لکن این رکن در ایفای تعهدات خود نباید پیرو خواسته‌های ارکان دیگر شرکت باشد. همچنین عملکرد رکن بازرسی نباید تحت تأثیر سایر ارکان شرکت به شکلی خلاف واقع قرار گیرد. بازرسی شرکت‌های سهامی رسالتی بزرگ در

حمایت از حقوق اشخاص ثالث به خصوص سهامداران اقلیت و طلبکاران شرکت با اظهار نظر صادقانه در خصوص منظم و صادقانه بودن صورت‌های مالی شرکت، فاش نمودن اطلاعات خلاف واقع مدیران در مجمع عمومی و به طور کلی نظارت واقعی بر شرکت بر عهده دارند (Saghri, 2022).

بازرسان شرکت‌های سهامی با به کار بردن اصول مهم ثبات رویه و قابلیت مقایسه-که از اصول علم حسابداری هستند-در تعیین ارزیابی اسناد مالی شرکت من جمله ترازنامه، در جهت حفظ حقوق اشخاص ثالث و کمک به اتخاذ تصمیم صحیح نسبت به عملکرد مالی سالیانه شرکت در مجمع عمومی سالیانه شرکت عمل می‌کنند. چنانچه صداقت و استقلال بازرسین به عنوان یک اصل در عمل آنان در تنظیم ترازنامه شرکت رعایت نشود، اسباب بطلان مصوبه مجمع عمومی سالیانه در تصویب ترازنامه شرکت و همچنین مصوبه تخصیص و پرداخت سود قابل تقسیم به سهامداران ایجاد می‌گردد (Hajija & Chenari, 2023).

۱-۷. اصل شورایی بودن

در ماده ۱۰۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت یکی دیگر از اصولی که بر فرآیند تصمیم‌گیری در شرکت‌های سهامی سایه می‌اندازد، توسط قانون‌گذار بیان شده است. «شرکت سهامی به وسیله هیئت مدیره‌ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می‌باشند، اداره خواهد شد. عده اعضای هیأت مدیره در شرکت‌های سهامی عام نباید از پنج نفر کمتر باشد». این ماده معرف اصلی است به نام اصل شورایی بودن؛ هیأت مدیره در شرکت سهامی چه در شرکت‌های سهامی خاص و چه در شرکت‌های سهامی عام باید شکل شورایی داشته باشند و مدیریت انفرادی موضوعیت ندارد (Eskini, 2019).

بر همین اساس نیز در بعضی دعاوی^۱ مطروحه، مشاهده شده است که خواهان با استناد به این مسئله که اصل بر شورایی بودن هیأت مدیره است، حتی برای دعوت مجمع نیز با وجود صراحت ماده ۱۲۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت، اقدام رئیس هیأت مدیره در دعوت از این مجامع بدون وجود مصوبه هیأت مدیره را محل اشکال دانسته است. چرا که شورایی بودن اتخاذ تصمیمات در هیأت مدیره‌ای که در پرتوی اصل مشارکت در اداره شرکت توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شوند، ابراز کننده اراده خاص شرکت سهامی در مقابل اشخاص ثالث است (Issaei Tafreshi, 2021).

۱-۸. اصل واقعی بودن سرمایه شرکت

اشخاص ثالث-معمولاً متبخر در امر تجارت- با در نظر گرفتن سرمایه شرکت سهامی که بر اساس مواد مختلفی از لایحه اصلاح قانون تجارت از مشخصات اصلی در تشکیل شرکت سهامی و فعالیت آن به شمار می‌رود، تصمیم به انعقاد معامله با شرکت یا خرید سهام و مشارکت در آن می‌گیرند.

بعضی الزاماتی که در فرآیند تصمیم‌گیری توسط شرکت باید رعایت شود، به ثبت مصوباتی که به موجب قانون الزام به ثبت آن وجود دارد، باز می‌گردد. از جمله این مصوبات، مصوباتی است که مجمع عمومی فوق العاده شرکت در خصوص تغییر در سرمایه شرکت می‌گیرد. این الزام علاوه بر اینکه از اصل تشریفاتی بودن اثر پذیرفته، در خصوص این قسم از تصمیمات شرکت به اصل واقعی بودن سرمایه شرکت باز می‌گردد. به خصوص در مورد سرمایه شرکت، چون این سرمایه وثیقه طلبکاران شرکت شمرده می‌شود (Eskini, 2019) و همچنین در شرکت‌های سهامی عام پذیرفته شده در بورس که نقل و انتقال سهام شرکت بدون تشریفات خاص صورت می‌پذیرد (Soltani, 2021) و

^۱ دادنامه شماره ۸۹۰۰۲۶۶ صادره در تاریخ ۱۳۸۹/۰۵/۰۲ دادگاه تجدیدنظر استان گیلان.

همچنین در مورد شرکت‌های سهامی ایرانی که در مناطق آزاد تجاری فعالیت می‌کنند، رعایت الزامات ثبت تغییرات در سرمایه شرکت، گام مؤثری برای حمایت از حقوق اشخاص ثالث شمرده می‌شود.

یکی از تصمیمات بسیار مهم که در حوزه سرمایه شرکت به حقوق اشخاص ثالث بسیار مرتبط بوده و قانون‌گذار برای حمایت و پیشگیری از به مخاطره افتادن حقوق این اشخاص در رابطه با آن ضمانت اجرای کیفری برای مدیران تعیین کرده، کاهش سرمایه شرکت به صورت اجباری به دلیل از میان رفتن بیش از نصف سرمایه شرکت، موضوع ماده ۲۶۵ و همچنین بند ۱ از ماده ۲۴۶ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت است. چه اینکه در پرتوی اصل استقلال دارایی شرکت و اصل واقعی بودن سرمایه شرکت، سرمایه واقعی شرکت وثیقه طلب طلبکاران شرکت است در جهت حمایت از طلبکاران، ماده ۱۳۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، از ممنوعیت پرداخت سود و منفعت به شرکاء در هنگام ورود ضرر به شرکت و قبل از جبران آن بحث می‌کند. در ادامه قانونگذار اندوخته قانونی را برای شرکت پیش‌بینی می‌کند که علاوه بر سرمایه اولیه، پشتوانه‌ای برای ذینفعان شرکت در افزایش و کاهش‌های سرمایه شرکت در روند بازار می‌باشد (Nodoushan & Bagheri, 2016).

از جمله حقوق مالی سهامداران سهم شدن در سود و سهم شدن در دارایی شرکت است. به موجب ماده ۹۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، چنانچه سود قابل تقسیمی وجود داشته باشد، تقسیم ده درصد از آن بین صاحبان سهام الزامی است. در پرتوی اصل واقعی بودن سرمایه شرکت، این سود تنها پس از پیش‌بینی تعیین اندوخته قانونی و راکد نگاه داشتن آن نزد حسابی در بانک به موجب مواد ۱۴۰، ۲۳۸ و ۲۳۹ از لایحه قانونی، میان سهامداران قابل تقسیم بوده و این موضوع در حقیقت به کارگیری تضمینی بیشتر از سرمایه ثبتی شرکت به عنوان وثیقه طلبکاران در جهت حمایت از حقوق این دسته از اشخاص ثالث توسط قانون‌گذار ایرانی است (Saghri, 2022). اجرای این امر یعنی تقسیم سود پس از تصویب مجمع عمومی، وظیفه مدیران شرکت است؛ چنانچه مدیران از این وظیفه خود تخطی نمایند، به موجب ماده ۱۴۲ از لایحه قانونی مذکور، مسئول جبران خسارات وارده خواهند بود.

۹-۱. قاعده اختصاصیت

قاعده اختصاصیت از جمله قواعدی است که در فرآیند تصمیم‌گیری در شرکت‌های سهامی و حمایت از حقوق اشخاص ثالث باید بدان توجه نمود. قاعده اختصاصیت بیان‌کننده این امر است که شخص حقوقی تنها در چهارچوب موضوعی که برای آن تشکیل شده است، امکان فعالیت داشته و اهلیت این شخص به رعایت این چهارچوب وابسته است.

به نظر می‌رسد باید قاعده اختصاصیت را نیز باید از دیگر قواعد حاکم بر فرآیند تصمیم‌گیری در شرکت‌های سهامی برشمارد. هرچند بین حقوقدانان ایرانی در مورد اینکه آیا موضوع شرکت تحدیدکننده عملکرد مدیران شرکت‌های تجاری-حداقل در مورد شرکت‌های تجاری خصوصی- است یا نه، اختلاف نظر وجود دارد، لکن به نظر می‌رسد که چنانچه تصمیمات شرکت اعم از اینکه توسط مجمع یا هیأت مدیره گرفته شود، در راستای اهداف شرکت باشد، از اعتبار برخوردار خواهد بود (Eskini & Delfani, 2018). این قاعده در مورد شرکت‌های سهامی دولتی به طور قطع در عمل هیأت مدیره شرکت در اتخاذ تصمیمات، به جهت اینکه از اصل عدم تفویض اختیار^۱ نشأت می‌گیرد، حاکم است (Barari, 2017).

^۱ ماده ۱۰ آیین‌نامه تشکیل مجامع عمومی و شوراهای عالی شرکت‌های دولتی موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۹۶۸۳/ت ۲۸۸۸۲ هـ مورخ ۱۳۸۶/۰۶/۲۶ هیأت وزیران، چنین مقرر شده است که: «با رعایت تبصره (۷۲) قانون بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۲ و قانون بودجه سال ۱۳۵۳ کل کشور، تفویض اختیار توسط نمایندگان سهام دولت در مجامع عمومی شرکت‌های دولتی مشمول این آیین‌نامه تنها با ملحوظ کردن موارد زیر قابل انجام است: الف- اتخاذ تصمیم در مورد خط مشی، تغییر و اصلاح مفاد اساسنامه،

۲. جایگاه حمایت از حقوق اشخاص ثالث در اصول و قواعد حاکم بر فرایند تصمیم‌گیری در شرکت‌های سهامی در حقوق انگلیس در بررسی اصول و قواعد حاکم بر عالم حقوق نمی‌توان از تأثیری که پدیده‌های اجتماعی می‌گذارند، غافل شد. در مورد آرناهی حاکم بر شرکت‌های سهامی در کشورهای نظیر انگلستان که اقتصاد و تحولات مؤثر بر آن از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردارند، این موضوع کاملاً مشهود است.

تجربه بحران مالی این کشور در اواخر قرن بیستم، سقوط ارزش شیلینگ و تبدیل واحد پولی این کشور به پوند و همچنین بحران مالی سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۸ از قرن بیست و یکم، تغییر بزرگی را در تنظیم و برقراری الزامات مربوط به اداره و کنترل شرکت‌های سهامی خاص و عام کوچک و بزرگ اعمال نمود (Hannigan, 2012). بنابراین منطقی است که در فضای تصمیم‌گیری در شرکت‌های سهامی در این کشور نیز، نوع شرکت از حیث سهامی خاص یا سهامی عام بودن بتوان تفاوت الزامات حاکم را مشاهده نمود. هدف قانون‌گذار انگلیسی از تمام اصلاحاتی که در قانون سال ۲۰۰۶ اعمال نمود، تسهیل استفاده از قالب تجاری شرکت سهامی بود. بر همین مبنا نیز باید پیش‌بینی نمود در این قانون راهکارهای مختلفی برای حمایت از اشخاص ثالث و در صدر آنان سهامداران اندیشیده شده باشد.

۲-۱. اصل مشارکت

مسئله مشارکت در اداره و کنترل شرکت‌ها در حقوق شرکت‌های انگلستان و به طور خاص در مورد شرکت‌های سهامی که سهامداران زیادی دارند، مسئله مهمی است که در نتیجه اصل مشارکت مورد بحث‌های گسترده‌ای میان حقوقدانان این کشور علی‌الخصوص پس از تصویب قانون سال ۲۰۰۶ شرکت‌ها و حاکمیت شرکتی در سال ۲۰۱۰ قرار گرفته است. اتخاذ رویکردی که هدف از آن تسهیل تأسیس شرکت و گردآوری سرمایه و فعالیت در قالب شرکت تجاری، مد نظر قانون‌گذار انگلستان در قانون سال ۲۰۰۶ بوده است. بر همین مبنا نیز در شرکت‌های سهامی خاص کوچک در این کشور که معمولاً سهامداران و مدیران شرکت یکی هستند، مسئله مشارکت سهامداران آنچنان چالش‌آفرین نیست (Dignam & Lowry, 2012).

در مورد سایر شرکت‌های سهامی، از آنجایی که کنترل اصلی شرکت در اداره آن با مدیران شرکت از هیأت مدیره و رئیسش و کمیته‌های تخصصی که زیر نظر هیأت مدیره فعالیت می‌نمایند تا مدیر عامل و سایر مدیران اجرایی شرکت که مسئولیت فعالیت تجاری شرکت بر عهده آنهاست و همچنین بازرسی که در حقوق این شرکت‌ها از مدیران غیراجرایی و مستقل محسوب می‌شوند (Hannigan, 2012)، مسئله توزین قدرت در عین مشارکت سهامداران از جمله نگرانی‌های اصلی حقوقدانان این کشور محسوب می‌گردد.

یکی از نوآوری‌هایی که در قانون سال ۲۰۰۶ شرکت‌ها برای حمایت بیشتر از اشخاص ثالث پدید آمده، دادن حق رأی و مشارکت به سرمایه‌گذاران غیرمستقیم است. در این رویه مدرن، سرمایه‌گذاران از طریق یک نهاد واسط در شرکت سرمایه‌گذاری می‌کنند. اساساً شرکت تنها به سهامداری که به طور قانونی به ثبت رسیده است، حق مشارکت می‌دهد و ذینفعان غیرمستقیم که ممکن است سرمایه این سهامدار را

آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی، استخدامی، فروش دارایی‌های ثابت، تغییر سرمایه، تصویب بودجه و صورت‌های مالی، انحلال و ادغام غیرقابل تفویض است. ب- اختیار درخواستی برای تفویض باید در اساسنامه شرکت یا سایر مقررات مربوط از جمله وظایف و اختیارات مجمع عمومی باشد. ج- اختیار مورد واگذاری باید در ارتباط با اتخاذ تصمیمات فوری، به تشخیص رئیس مجمع عمومی یا شورای عالی باشد. د- اعتبار اختیار مورد واگذاری برای مدت محدود و حداکثر تا یک سال و تاریخ تشکیل جلسه بعدی مجمع عمومی خواهد بود. ه- اختیار تفویض شده باید در صورت جلسه مجمع عمومی که با حضور نمایندگان سهام دولت تشکیل می‌شود، به نحو مشخص ذکر شود. و- رئیس مجمع عمومی مکلف است گزارش موارد استفاده از اختیار تفویض شده را در هر مورد به مجمع عمومی کتباً ارسال نماید. ز- در صورت عدم تمایل هر یک از نمایندگان سهام دولت در مجمع عمومی با تفویض اختیار، رئیس مجمع عمومی مکلف است قبل از اتخاذ تصمیم نسبت به موضوع، نسبت به اخذ نظر نماینده یا نمایندگان مذکور اقدام و سپس با عنایت به اختیار تفویض شده از طرف مجمع عمومی، نسبت به آن مورد اتخاذ تصمیم نماید».

تأمین نموده باشند، امکان مشارکت در شرکت را ندارند. اغلب استدلال می‌شود که مشارکت سهامداران نیازمند مکانیزمی است که به موجب آن سرمایه‌گذار غیرمستقیم یا تأمین‌کننده واقعی سرمایه، می‌تواند با شرکت تعامل داشته باشد و توسط آن شناخته شود. لکن این موضوع یعنی تعیین مقرراتی برای اعطای حق رأی به ذینفعان غیرمستقیم سهام، در تدوین قانون سال ۲۰۰۶ به محل بحث شدید در پارلمان تبدیل شده بود. از یک طرف، در جایی که سرمایه‌گذاران اصلی، اشخاصی فرامرزی هستند و از طرف دیگر شرکت‌های تأمین سرمایه با تعداد بسیار زیادی سهامداران ثبت شده و تعداد غیرقابل اندازه‌گیری صاحبان منافع غیرمستقیم، نگران این بودند که پی گرفتن چنین رویکرد لیبرالی در اعطای حق رأی به ذینفعان غیرمستقیم، موجبات ایجاد هرج و مرج اداری بزرگ و افزایش سرسام‌آور هزینه‌های نگهداری و ثبت سهام شود. بر همین اساس آنچه در بخش نهم از قانون سال ۲۰۰۶ شرکت‌ها به تصویب رسید گام کوچک رو به جلویی در حمایت از اشخاص ثالث و ذینفعان غیرمستقیم در مقابل دیدگاه «تنها به رسمیت شناختن سهامداران ثبت شده» بود. بر این اساس در این قانون دو راهکار پیش‌بینی شد. یکی راهکار مندرج در ماده ۱۴۵ این قانون است که شرکت می‌تواند به سهامدار ثبت شده اجازه دهد که شخص دیگری را برای متفع شدن یا اعمال نمودن حقوق مشخص شده‌ای از سهامدار نسبت به شرکت-من جمله تفویض حق رأی و مشارکت-به شرکت به جای خود معرفی نماید. در ماده ۱۴۶ نیز در مورد شرکت‌های تأمین سرمایه-شرکت اصلی- این راهکار مصوب شد که این شرکت‌ها می‌توانند به سهامدار خود مجوز معرفی شخص دیگری را برای متفع شدن از حقوق مربوط به اطلاعات شرکت بدهند و بر این اساس شرکت-تأمین سرمایه-مکلف به ارتباط مستقیم با نماینده سهامدار است (Sealy & Worthington, 2013).

۲-۲. اصل تشریفاتی بودن

در مورد شرکت‌های سهامی خاصی که با تعداد سهامداران اندک و سرمایه‌های کوچک تشکیل و اداره می‌شوند، اصل بر این است که برقراری و رعایت تشریفات جز در موارد محدود الزام‌آور نیست. اما در مورد شرکت‌های سهامی خاص که از تعداد زیادی سهامدار تشکیل شده‌اند یا سرمایه‌های هنگفتی را در اختیار دارند و همچنین شرکت‌های سهامی عام که با مراجعه به عموم، سرمایه مورد نیاز خود را برای تشکیل تأمین نموده‌اند یا در بازارهای مالی همچون بورس لندن فعالیت می‌کنند، رعایت تشریفات و در صدر آنها، الزاماتی که مبتنی بر شفافیت هستند، از اهمیت بسیاری برخوردارند. این الزامات در قوانین و دستورالعمل‌های مختلف و متعددی بر نظام سازماندهی و کنترل در شرکت‌های سهامی این کشور سایه انداخته‌اند (Hannigan, 2012).

مستند به ماده ۲۹۵ از این قانون چنانچه به دلیل عدم رعایت تشریفات و الزامات در فرآیند تصمیم‌گیری به روش مصوبات مکتوب به شرکت یا هر شخصی، ضرری وارد گردد، این موضوع توسط دادگاه قابلیت استماع دارد. به علاوه چنانچه عدم رعایت این الزامات از ناحیه شرکت مشخص باشد به موجب بندهای ۱ و ۵ از ماده ۲۹۳ هر مدیری که مسئولیت این امر با اوست، مورد جریمه قرار می‌گیرد. به علاوه تخلف از

¹ “293 Circulation of written resolution proposed by members: (1)A company that is required under section 292 to circulate a resolution must send or submit to every eligible member—

(a)a copy of the resolution, and

(b)a copy of any accompanying statement.This is subject to section 294(2) (deposit or tender of sum in respect of expenses of circulation) and section 295 (application not to circulate members' statement).

(5) In the event of default in complying with this section, an offence is committed by every officer of the company who is in default.

(6)A person guilty of an offence under this section is liable—

(a)on conviction on indictment, to a fine;

(b)on summary conviction, to a fine not exceeding the statutory maximum.

(7) The validity of the resolution, if passed, is not affected by a failure to comply with this section”.

الزام رعایت لغایت مهلت ۱۵ روزه ثبت مصوبات در دفتر شرکت، به موجب بند ۲ از ماده ۳۰ قانون سال ۲۰۰۶ جرم محسوب می‌شود (Sealy & Worthington, 2013).

یکی از نکات جالب توجهی که در حقوق شرکت‌های انگلستان در رابطه با حمایت از اشخاص ثالث در پرتوی اصل تشریفاتی بودن، می‌توان بیان نمود این است که در رویه قضایی این کشور، جایی که دادگاه متوجه شود سهامداران با قصد به حد نصاب رسیدن جلسه مجمع و در نتیجه عدم تصویب تصمیم خاصی از حضور در مجمع خودداری می‌نمایند، در حالی که چنانچه موضوع جلسه منجر به تصویب تصمیمی شود که به ضرر شرکت یا سهامداران بوده و اینان برای اجتناب از رخ دادن وضعیت این چنینی از حضور در جلسه مجمع اجتناب می‌کنند، دادگاه بدون رعایت الزامات نصاب مندرج در قانون یا اساسنامه، مجمع را تشکیل می‌دهد. به عنوان مثال زمانی که سهامداران آگاهند با حضور در مجمع و به نصاب رسیدن جلسه، گزارشات مالی در مجمع به اطلاع عموم می‌رسد که به ضرر شرکت بوده و برای اینکه ثالث از این وضعیت شرکت مطلع نشود، از حضور در مجمع امتناع می‌کنند، در حقیقت با سوء استفاده از حق خویش، به نوعی موجب اضرار به ثالث می‌گردند. موضوع دو پرونده «واتسون علیه شرکت سهامی خاص یونیون موزیک»^۱ و «شرکت سهامی خاص ساوث اینترتینمنت علیه هولدینگ سهامی خاص وکتون اینترتینمنت»^۲ مجرای اعمال این اصل قرار گرفت (Hannigan, 2012).

۲-۳. اصل عام بودن اختیارات مدیران

نقش مدیران در اداره و تصمیم‌گیری در ماتریس مدیریت شرکتی با این واقعیت رنگ‌آمیزی می‌شود که حقوق شرکت‌ها ریشه در حقوق مشارکت دارد که مبتنی بر اصل کارگزاری مدیران است. اختیارات مدیران برای اداره امور شرکت تابع قوانین مربوطه در زمان تأسیس آن‌ها و در مرتبه بعدی تحت کنترل و مصوبات مجامع بود. این رویه در حقوق انگلستان ناشی از رویه قضایی^۳ به یک اصل تبدیل شده بود. لکن قدرت و جایگاه مجامع در اداره و کنترل شرکت‌ها ناشی از پدیده‌های اجتماعی و تأثیر آن‌ها بر رویه قضات در قرن بیستم تغییر کرد. هم‌اکنون صلاحیت مجامع در اتخاذ تصمیمات مربوط به شرکت، محدود و مضیق به صراحت مواد قانونی و توافق سهامداران در اساسنامه شرکت است و اصل بر عام بودن اختیارات مدیران در اتخاذ تصمیمات شرکت است (Dignam & Lowry, 2012).

۲-۴. اصل شورایی بودن

یکی از اصول حاکم بر فرآیند تصمیم‌گیری در شرکت‌های سهامی در حقوق انگلستان، موضوع اصل اول کد حاکمیت شرکتی مصوب ۲۰۱۰ است که بر اساس این اصل مسئولیت هیأت مدیره شرکت از نوع جمعی و شورایی است (McLaughlin, 2013). می‌توان گفت که این امر به نوعی از اصل مشارکت منتج می‌شود.

اصل اول از کد حاکمیت شرکتی انگلستان با شناسایی مسئولیت‌های گسترده هیأت مدیره شروع می‌شود و خاطر نشان می‌کند که هر شرکتی باید توسط هیأت مدیره مؤثری اداره شود که مجموعاً مسئول موفقیت بلند مدت شرکت هستند. به نحوی که هر فرد مدیران هیأت مدیره مطابق وظیفه قانونی خود در راستای کسب بهترین منافع شرکت، باید در جمع هیأت مدیره عمل نماید. یکی از وظایف اصلی هیأت مدیره در پرتوی اصل شورایی بودن که در حقوق اشخاص ثالث مؤثر است این است که هیأت مدیره باید اطمینان حاصل کند که سیستم کنترل داخلی در مدیریت ریسک‌ها به روشی که تصویب کرده است، مؤثر است (Hannigan, 2012).

¹ Union Music Ltd v Watson

² Vectone Entertainment Holding Ltd v South Entertainment Ltd (2004)

⁴ Isle of Wight Rly Co v Tahourdin (1883)

۲-۵. اصل حسن نیت مدیران

به علاوه در فرآیند تصمیم‌گیری در شرکت‌های سهامی که توسط مدیران و اعضای هیأت مدیره انجام می‌شود، اصل حسن نیت مدیران از جایگاه مهمی برخوردار است. براساس ماده ۶۵ قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ انگلستان، اعمال مدیران شرکت باید براساس اصل حسن نیت صورت پذیرد. به موجب تعریفی که مجلس اعیان انگلستان از حسن نیت تعریف نموده، رفتاری که منصفانه، آشکارا و بدون هیچ‌گونه پنهان‌کاری باشد، حسن نیت را نمایش می‌دهد که با چند ویژگی در حقوق انگلستان قابل شناسایی است: «۱- خلوص نیت در باور یا هدف؛ ۲- پایبندی به وظایف و تعهدات محول؛ ۳- رعایت استانداردهای معقول تجاری در مورد معامله منصفانه و نهایتاً ۴- فقدان قصد کلاهبرداری یا اخذ منافع موهوم» (Lowry & Reisberg, 2014).

اثر این اصل را در الزاماتی که ریشه در اطلاع‌رسانی و ایجاد شفافیت از ناحیه مدیران شرکت وجود دارد می‌توان به خوبی مشاهده نمود. آگاهی از اطلاعات مالی شرکت توسط سهامداران و تسهیل ارتباط با شرکت در مواردی که شرکت از اقسام شرکت‌های سهامی عام و همچنین شرکت‌های بورسی است در مواد مختلفی از قانون شرکت‌های سال ۲۰۰۶ تبیین شده است. مانند پیش‌بینی استفاده از ابزارهای الکترونیکی همچون ارسال گزارشات مالی، اطلاعیه‌های مربوط به برگزاری مجامع و هرگونه موضوعی که شرکت نیاز و الزام به اطلاع رسانیدن به سهامداران دارد را می‌توان به ایمیل سهامداران ارسال نمود یا حسب مورد با انتشار در وب سایت شرکت، علاوه بر امکان دسترسی آزاد ایشان به نسخه‌های چاپی موجود در شرکت ممکن است. اعتبار استفاده از این راهکارها در مواد ۱۱۴۳ تا ۱۱۴۸ قانون شرکت‌های سال ۲۰۰۶ که مندرج در جداول شماره ۴ و ۵ پیوست این قانون، در خصوص شرکت‌های سهامی عام و مواد پراکنده‌ای همچون ۳۴۱، ۳۵۱، ۴۳۰، ۵۲۷ و بند الف از ماده ۳۱۱ در خصوص شرکت‌های فعال در بازار بورس اعلام شده‌اند (Lowry & Reisberg, 2014).

یکی از مواردی که به موجب بند ۲ از ماده ۳۳۷ قانون شرکت‌های سال ۲۰۰۶ انگلستان موجبات مسئولیت کیفری برای مدیران شرکت را فراهم می‌کند، تقلب در حسابداری است. بدین معنا که چنانچه مدیران تصویر غلطی از وضعیت مالی شرکت را با دخل و تصرف در حساب‌ها و تنظیم گزارشات مالی شرکت به منظور کسب منفعتی برای خود و به ضرر سرمایه‌گذاران، ارائه دهند، به ۷ سال حبس یا جزای نقدی یا هر دو مجازات محکوم می‌شوند (McLaughlin, 2013).

نهایتاً هم در حقوق انگلستان چنانچه شرکت در وضعیت مالی نامناسبی مانند زمانی که در آستانه ورشکستگی است قرار داشته باشد، مدیران در تصمیم‌گیری‌های خود مکلف به رعایت منافع طلبکاران علاوه بر منافع سهامداران نیز خواهند بود. هرچند این تفکر با استناد به تئوری اجتماعی شرکت در برابر تفکر مکتب قراردادگرایی که بازار و آزادی قراردادی را برای حمایت از طلبکاران کافی می‌داند، در تقابل است و بیشتر حقوقدانان انگلیسی من جمله نهاد بازنگری قانون در انگلستان، مکتب قراردادگرایی را سرلوحه خود دارند (Dignam & Lowry, 2012).

۲-۶. اصل حرفه‌ای بودن

شرکت‌های تجاری قالب‌هایی حرفه‌ای برای تجارت در حقوق انگلستان شناخته می‌شوند و از این منظر در تصمیماتی که مدیران در راستای اعمال خود اتخاذ می‌نمایند، باید اصل حرفه‌ای بودن مدیران را نیز مد نظر قرار داد. در ماده ۷۰ قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ انگلستان مقرر شده است که: «مدیران شرکت‌ها در اجرای وظایف مدیریتی باید مراقبت و مهارت و کوشش خود را به نحوی که از یک شخص معقول انتظار می‌رود، بدون در نظر گرفتن ماهیت شرکت و نوع تصمیم‌گیری و موقعیتشان رعایت کنند». این بدان معناست که مدیران در صورت عدم

رعایت این شکل از مراقبت در وظایفی که حسب مدیریت شرکت با آنهاست من جمله فرآیندهای تصمیم‌گیری، نظارت، کنترل و اطلاع‌رسانی و همچنین اعمال وظایف مدیریتی در فعالیتهای اختصاصی شرکت با دانش، مهارت و توانمندی خاص موضوع اقدام نمایند. این وظیفه با توجه به قاعده دیگری در حقوق تجارت انگلستان که از رویه قضایی این کشور ناشی شده به نام «قاعده ارزیابی تجاری» سنجیده می‌شود. بر مبنای این قاعده، تصمیم تجاری مدیر مبتنی بر منبع اطلاع وی و بر اساس حسن نیت و بر این مبنای که عملکردش در راستای حصول منافع برای شرکت است باید صورت پذیرفته باشد و این تکلیف مراقبت با معیارهای نوعی از هر انسان معقول و منطقی در نظر قاضی مشخص می‌گردد (Dignam & Lowry, 2012).

۲-۷. اصل تصویب (Duomatic principle)

بیان شده که اساساً اصل تشریفاتی بودن در حقوق شرکت‌های سهامی انگلستان ناظر بر فعالیت و تصمیمات شرکت‌های سهامی عام و بعضی شرکت‌های دیگری است که موضوع فعالیت آنها سرمایه‌گذاری بوده یا در بازارهای مالی پذیرفته شده‌اند. لکن الزامات ناظر بر ثبت تصمیمات و مصوبات در حقوق شرکت‌های این کشور، بر اساس نوع مصوبه ممکن است تحت حکومت اصل دیگری جای گیرد. هر مصوبه‌ای که بر اساس این قانون از نوع مصوبات خاص^۱ شمرده شود و همچنین هر قرارداد و سایر مصوباتی که در شمول مواد ۲۹ و ۳۰ قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ قرار بگیرند، باید به ثبت برسند. این موضوع در نتیجه رویه قضایی که با عنوان «اصل تصویب^۲» شناخته می‌شود، از مقررات آمره در حقوق شرکت‌های انگلستان محسوب می‌گردد (Hannigan, 2012).

این اصل که در ماده ۱۹۰ از قانون شرکت‌های سال ۲۰۰۶ انگلستان نیز مورد تصریح قانون‌گذار قرار گرفته، بیان‌کننده این امر است که «هر تصمیمی که اعضای شرکت می‌توانند با تصویب یک مصوبه رسمی از طریق برگزاری مجمع عمومی انجام دهند، در صورت موافقت همه آنها می‌توانند به طور غیر رسمی نیز انجام دهند». برای استفاده از این اصل، که به عنوان اقدامی در راستای افزایش مشارکت سهامداران و اعضای شرکت توسط قانون‌گذار و دادگاه‌های انگلستان به رسمیت شناخته شده است، لازم سه شرط وجود داشته باشد. این سه شرط عبارتند از اینکه: شرکت در آستانه ورشکستگی یا در حالت توقف نباشد، مصوبه غیررسمی اعلام‌کننده یک موافقت باشد و نهایتاً اینکه شرکت در موقعیتی نباشد که نسبت به وضعیت آن عدم صداقت یا سوء نیتی برداشت شود. چنانچه هر یک از این شروط نقض شده باشد یا اثبات شود که در حالی که مصوبه منظور به طور غیررسمی به تصویب می‌رسیده، یکی از این شروط وجود نداشته، مصوبه قابلیت ابطال خواهد داشت. در مواردی که عدم صداقت احراز شود یا تصمیماتی از این طریق اتخاذ شود که مجاز نباشد، نمی‌توان به این اصل استناد کرد. بنابراین وجود این اصل و رعایت محدودیت‌های استناد به این اصل در فرآیند تصمیم‌گیری در شرکت‌های سهامی، گامی در جهت حفظ حقوق اشخاص ثالث شناخته می‌شود (Dignam & Lowry, 2012).

۲-۸. اصل هدایت

اصل دیگری به نام «اصل هدایت^۳» یا «اصل آلترا ایگو^۴» یا «نظریه شناسایی^۵» که از رویه قضایی^۶ این کشور بر فرآیند تصمیم‌گیری در شرکت‌ها سهامی حاکم است جالب توجه و بیان است. چنانچه در شرکت تصمیمات مجرمانه‌ای اتخاذ شود برای انتصاب مسئولیت جزایی

¹ Special resolution

² Duomatic principle

³ The leading principle

⁴ Alter ego principle

⁵ Identification theory

⁶ Lennard's Carrying Co Ltd v Asiatic Petroleum Co Ltd (1915); Tesco Supermarkets Ltd v Natrass (1972)''

به شرکت نیاز به شناسایی شخصی است که در حقیقت مغز متفکر عملیات مجرمانه بوده است. بنابراین چنانچه تصمیماتی که اشخاص در شرکت می‌گیرند موجب انتساب جرم به شرکت شود، بر اساس این اصل اشخاص پشت این تصمیم نیز تعقیب خواهد شد. این اصل به موجب رویه قضایی منبث از دعاوی «شرکت سهامی خاص پتروشیمی آسیاتیک در مقابل شرکت سهامی خاص حمل و نقل لنارد» در سال ۱۹۱۵ و «ناترس در مقابل شرکت سهامی خاص سوپر مارکت‌های تسکو» در سال ۱۹۷۲ در خصوص مسئولیت جزائی شرکت و تعقیب تصمیم‌گیری که جرم به هدایت آنان باز می‌گردد، در حقوق انگلستان متولد شد (McLaughlin, 2013).

نتیجه‌گیری

تشکیل شرکت‌های تجاری و در رأس آنان شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و انگلستان اگرچه از یک بستر مشترک به نام اقتصاد برخاسته است لکن در آغاز و ادامه با دو پیشینه تاریخی و دو نوع اقتصاد متفاوت مواجه بوده است. بنابراین آنچه در این مطالعه تطبیقی به خوبی نمایان کننده تمایز حقوق این دو کشور در مسئله حقوق اشخاص ثالث در پرتو اصول و قواعد حاکم بر فرایند تصمیم‌گیری شرکت‌های سهامی است به مفهوم شرکت‌های سهامی در حقوق این دو کشور که در چه مرحله‌ای از تکوین خود به سر برده و در چه بستر اقتصادی متولد شده و رشد کرده‌است، باید مورد نظر قرار بگیرد.

تصمیمات شرکت‌های سهامی به سبب تأثیراتی که می‌تواند بر وضعیت جامعه، محیط زیست، سهامداران، طلبکاران و مصرف‌کنندگان، کارکنان این شرکت‌ها و به طور عام اشخاص ثالث داشته باشد، دولت‌ها را بر آن داشته است تا با وضع قوانین مناسب در جهت تقویت و تثبیت حقوق این ذینفعان متأثر از وضعیت شرکت‌ها، گام بردارند.

حقوق انگلستان از نوع کامن‌لای انصاف محور است که در حقوق این کشور قواعد از رویه قضات در رسیدگی به پرونده‌هایی با موضوعات مشابه نشأت می‌گیرد. بنابراین در شناسایی حقوق اشخاص ثالث در موارد نقض مقررات مربوط به تصمیم‌گیری شرکت‌های سهامی، علاوه بر مراجعه به قوانین مدون در منابع حقوق این کشور به رویه قضات توجه ویژه‌ای می‌شود. حقوقدانان انگلیسی معتقدند حتی با تصویب قوانینی که به موجب تثبیت اصول برآمده از دادرسی‌های کامن‌لا به وجود آمده‌اند، نیاز به مراجعه به آن آراء همچنان وجود دارد. چرا که این اصول قدیمی در فهم بهتر و پیش‌بینی پاسخ سوالات احتمالی برای تأمین نیازهای آینده بسیار راه‌گشا خواهند بود. به علاوه و به طور کلی مبانی اصول حاکم بر حقوق شرکت‌های تجاری انگلستان به دو ریشه اقتصاد و سیاست این کشور باز می‌گردند. قانون‌گذار با توجه به اهداف اقتصادی این کشور که عبارتند از سودمندی متقابل، معاملات مبتنی بر بازار آزاد، تخصیص بهینه منابع قراردادی، انتقال منابع به فعالیتی که بیشترین ارزش را بیافریند و همچنین تمرکز زدایی از قدرتی که در دست شرکت‌های تجاری ممکن است قرار بگیرد- که یکی از اهداف سیاسی اوست- نسبت به تقنین اقدام می‌نماید. حقوق در این کشور با در نظر گرفتن اهداف فوق در جهتی همسو برای دستیابی به این اهداف اقتصادی و سیاسی حرکت می‌کند.

پس از رکود دهه ۷۰، لزوم بازنگری در قوانین مربوط به شرکت‌های سهامی در راستای تسهیل فعالیت‌های اقتصادی با استفاده از ابزارهای اقتصادی نظیر این شرکت‌ها، قانون‌گذار را بر آن داشت که در خصوص عملکرد داخلی این شرکت‌ها از جمله فرایند تصمیم‌گیری، نیز تغییراتی را در قانون اعمال کند. اثر اصل تشریفاتی بودن در فرایند تصمیم‌گیری شرکت‌های سهامی در حقوق ایران برخاسته از ماده ۲۷۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت (مصوب ۱۳۴۷) در تمام اعمال شرکت‌های سهامی متفاوت است با تفکیکی که در حقوق انگلستان در مورد نحوه اجرای این اصل در خصوص شرکت‌های سهامی خاص کوچک با شرکت‌های سهامی خاص بزرگتر و سهامی عام و شرکت‌های سهامی عام

فعال در بازارهای مالی همچون بورس لندن اعمال می‌شود. به نحوی که رویه قضایی انگلستان در مواردی که مدیران یا سهامداران شرکت از برگزاری جلسات با استفاده از معاذیر قانونی ناشی از رعایت تشریفات موجب بی اعتباری جلسه مجمع می‌شوند، در دو پرونده «واتسون علیه شرکت سهامی خاص یونیون موزیک» و «شرکت سهامی خاص ساوث ایترتینمنت علیه هولدینگ سهامی خاص وکتون ایترتینمنت» است، حکم به تشکیل جلسه مجمع بدون رعایت تشریفات الزامی داده شد. چرا که در اینجا حقوق سایر اشخاص ثالث در معرض تضییع قرار گرفته بود.

بر این اساس به نظر می‌رسد اولاً قوانین و الزامات حاکم بر فرآیند تصمیم‌گیری در شرکت‌های سهامی ایرانی باید با نیازهای روز اقتصاد، ارزیابی شده و مورد اصلاح قانون‌گذار قرار گیرد. در ثانی برای رویه قضایی در خصوص نیازسنجی و همچنین امکان‌سنجی اعمال قوانین و مقررات در این حوزه نقش بیشتری قائل شد. این موضوع سبب ثبات بیشتر بازارهای مالی شده، از احتمال تضییع حقوق اشخاص ثالث کاسته و همچنین در صورت بروز اختلاف نیز راهکارهای عملی‌تر در دسترس دادرسان قرار می‌دهد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

Joint-stock companies play a pivotal role in the economic landscapes of both Iran and England. Upon formation, these entities gain independent legal personality, enabling their decisions—primarily made by general assemblies and boards of directors—to impact third-party rights significantly. While both Iranian and English legal frameworks encompass identifiable principles and rules to regulate these relationships, distinct differences emerge due to historical, economic, and legislative evolution. In Iran, joint-stock companies operate under principles established by the amended sections of the Commercial Code and related laws. However, these codified rules, stemming from the mid-20th century, fail to address modern complexities. Iranian legislation, characterized by scattered regulations, creates challenges for third parties seeking justice in cases of rights infringement. Conversely, England's judiciary-driven common law system offers adaptive and practical solutions to contemporary corporate governance issues, supported by legislative advancements like the Companies Act 2006 (Hannigan, 2012).

This narrative aims to identify the principles governing joint-stock companies and assess their implications for third-party rights under Iranian and English law. The comparison seeks to uncover best practices and propose reforms for enhancing third-party protections in corporate decision-making processes.

The research employs a descriptive-analytical approach, drawing on qualitative data and comparative analysis. Legal principles in both jurisdictions are examined, focusing on legislative provisions, judicial precedents, and academic interpretations (Eskini, 2019; Griffin, 2006). Emphasis

is placed on the interplay between decision-making processes in joint-stock companies and the resultant third-party implications.

Iranian law defines joint-stock companies in the 1967 Commercial Code, focusing on shareholder contributions and limited liability (Issaei Tafreshi, 2021). However, the law's outdated nature and fragmented supplementary regulations hinder its efficacy in safeguarding third-party rights. For instance, creditors and employees often encounter obstacles due to ambiguous procedural safeguards.

In England, economic crises in the 1970s and subsequent legislative reforms (Companies Acts of 1980, 1985, and 2006) reshaped corporate governance. English law prioritizes flexibility and responsiveness to market dynamics, allowing third parties greater access to legal recourse. Judicial interpretations, as emphasized by McLaughlin (2013), underpin the adaptability of the legal system to new challenges, ensuring that corporate decisions align with broader societal interests (McLaughlin, 2013).

Key principles in both jurisdictions include legal personality, shareholder participation, formalized decision-making, and transparency.

- **Iranian Law:** Principles such as the independence of corporate legal personality and shareholder participation dominate the regulatory framework. However, procedural formalities and limited judicial engagement reduce its adaptability (Saghri, 2022).
- **English Law:** Beyond codified principles, English jurisprudence emphasizes equitable remedies and fiduciary duties. For instance, directors must act in good faith, prioritizing company and stakeholder interests. The introduction of shareholder voting rights for indirect investors showcases progressive governance practices (Dignam & Lowry, 2012).

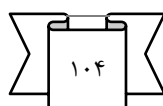
Decisions within joint-stock companies can directly or indirectly affect third parties, such as creditors, employees, and investors. Iranian law's procedural rigidity sometimes delays dispute resolution, while England's judiciary-driven framework provides timely and context-sensitive interventions.

- **Iran:** The Commercial Code's provisions for dispute resolution lack detailed guidelines on addressing third-party grievances. For instance, decisions to reduce capital often neglect creditor safeguards, exposing systemic vulnerabilities (Pasban, 2021).
- **England:** Mechanisms like the "Duomatic Principle" enable informal resolutions, provided all stakeholders consent, thus balancing flexibility with accountability. Additionally, stringent transparency requirements deter potential misuse of corporate resources (Sealy & Worthington, 2013).

Comparative insights reveal a pressing need for legislative reforms in Iranian corporate law. Modernizing the Commercial Code and integrating judicial discretion can bridge gaps in protecting third-party rights. Lessons from England, particularly in adapting governance practices to evolving economic needs, highlight the importance of incorporating stakeholder-centric principles.

The study concludes that robust corporate governance, underpinned by well-defined principles and adaptable judicial frameworks, is essential for safeguarding third-party rights. By aligning legislative provisions with economic realities, both jurisdictions can enhance corporate accountability, contributing to equitable and sustainable economic growth.

References



- Barari, A. (2017). *Law System Ruled on Government-Owned Corporations and Privatization*. Majd Publications.
- Dignam, A., & Lowry, J. (2012). *Company Law*. Oxford University Press.
- Eskini, R. (2019). *Commercial Law: Trading Corporations*. Samt Publications.
- Eskini, R., & Delfani, S. (2018). The Effect of Transcending the Scope of Activities of Joint-stock Companies by their Directors: A Comparative Study in Iranian and English Law. *Journal of Comparative Law*, 5.
- Griffin, S. (2006). *Company Law: Fundamental Principles*. Pearson Education Press.
- Hajiha, Z., & Chenari, H. (2023). The Effect of Accounting Comparability on Financial Reporting Quality with Emphasis on Audit Quality. *Journal of Judgment and Decision Making in Accounting*, 5(2).
- Hannigan, B. (2012). *Company Law*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/he/9780199608027.001.0001>
- Issaei Tafreshi, M. (2021). *Analytical Studies on Company Law*. Tarbiat Modares University Press.
- Lowry, J., & Reisberg, A. (2014). *Pettet's Company Law and Corporate Finance*. Pearson Education Press.
- McLaughlin, S. (2013). *Unlocking Company Law*. Routledge Publications. <https://doi.org/10.4324/9780203779071>
- Nodoushan, M. S., & Bagheri, M. (2016). Conflict of Interests of Company Stakeholders and Its Strategies. *Comparative Law Research Quarterly*, 20(3).
- Pasban, M. R. (2021). *Company Law*. Samt Publications.
- Saghri, M. (2022). *COMMERCIAL LAW; Companies*. Majd Publications.
- Sealy, L., & Worthington, S. (2013). *Sealy & Worthington's Cases and Materials in Company Law*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/he/9780199676446.001.0001>
- Soltani, M. (2021). *Capital Market Law*. Samt Publications.